

بررسی تحلیل گفتار و خطابه ها در گویش گیلکی - اهرانی روستای اهران - توابع شهرستان دماوند (گویش های دیگر)

ناهید خسروی^۱، مریم السادات قیاسیان^۲

^۱ کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی دانشگاه پیام نور، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

^۲ استاد دانشگاه پیام نور، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

نام نویسنده مسئول:

ناهید خسروی

چکیده

استفاده از تعبیرات و اصطلاحات خطابه‌ای از منظر علم کاربردشناسی زبان در میان جوامع انسانی براساس نوع اندیشه و باورهای آن جوامع و اقوام پدید آمده است و پیشینه فرهنگی آن جوامع را نشان می‌دهد. کاربرد اصطلاحات عامیانه و رایج در میان یک قوم، طایفه و در میان گویش‌های متعدد، منعکس‌کننده نوع روابط اجتماعی، فردی و نگرش آن‌هاست. تنوع بالای اجتماعی و تنوع پایین اجتماعی، سطح اجتماعی و موقعیت سخنوران در نوع کاربرد زبانی و نقش زبان میان آن‌ها اهمیت قابل ملاحظه‌ای دارد. نوع کاربرد زبان و تعبیرات زبانی به لحاظ قدرت، جنسیت، نقش و جایگاه روابط از طریق استفاده از واژگان، تعبیرات و خطابه‌های زبانی قابل بیان است که ریشه در پیشینه فرهنگی و نگرشی جوامع و قومیت‌ها دارد.

واژگان کلیدی: کاربردشناسی، تنوع بالای اجتماعی، تنوع پایین اجتماعی، سطح اجتماعی، موقعیت سخنوران، نگرش، گویش، تنوع اجتماعی، تنوع زبانی، فرهنگ.

مقدمه

علم کاربردشناسی زبان به مطالعه انتقال مفاهیم در بافت ادراکی بین سخنوران زبان می‌پردازد. ارتباطی که براساس روابط اجتماعی برقرار می‌گردد. علم کاربردشناسی زیرمجموعه زبان‌شناسی و معناشناسی است.

کاربردشناسی به مطالعه مفهومی و واقع‌بینانه به طریقی می‌پردازد که مبتنی بر ملاحظات عملی است تا تئوری؛ این علم به مطالعه روش‌هایی می‌پردازد که در آن بافت با معنی در ارتباط است و تئوری رویدادهای گفتاری - تلویح مکالمه‌ای - ارتباط و رویکردهای زبانی در علم فلسفه، جامعه‌شناسی زبان و انسان‌شناسی در این علم بررسی می‌شود، این علم همچنین به مطالعه اینک‌واژگان، تعبیرات و اصطلاحات چگونه و به چه منظور و هدفی به کار می‌روند، می‌پردازد.

نوع ارتباط بین سخنوران با تنوع اجتماعی بالا و تنوع اجتماعی پایین، سطح اجتماعی، عوامل فرازبانی، تعبیرات خطابه‌ای، رفتارهای کلامی و غیر کلامی بین سخنوران قابل توجه است.

تنوع زبانی در بسیاری از منابع و کتب زبان‌شناسی و ترجمه مورد بحث است. تنوع زبانی اغلب در یک حالت سطحی، بدیهی و گاهی مورد غفلت قرار می‌گیرد اما از منظر کاربردشناسی به عنوان مهم‌ترین بخش مطالعات زبانی است؛ این علم ما را وامی‌دارد که به تنوع زبانی و گویشی توجه زیادی داشته باشیم و آن‌ها را مورد بی‌توجهی قرار ندهیم.

مبحث تنوع زبانی در هر دو زبان گفتار و نوشتار نمود دارد. تنوع زبانی توسط کاربران زبان ایجاد می‌شود و با مکان، زمان و جامعه کنترل می‌شود. تنوع کاربران زبان تحت تأثیر آن است که کاربران زبان اهل کجاوند و در چه زمانی زندگی می‌کنند و طبقه اجتماعی آن‌ها کدام است. تنوع زبانی شکل می‌گیرد تا رنگ‌های محلی را منعکس سازد. هدف این پژوهش برجسته‌سازی اهمیت کاربردشناسی و زیرشاخه آن به عنوان تنوع زبانی است.

تحلیل ساختار معنی‌شناسی تکنیک دیگری است که باید آن را به تنوع معناهای روحی (معنوی) دیداری تعبیر می‌کند. روحیه معنوی همواره تعبیر معنای مذهبی نیست چرا که در این صورت تغییرات عاطفی و معنایی بر فرهنگی که در آن بکار می‌رود، وابسته می‌شود. ناپیدا با تأکید بیشتر بر اهمیت بافت در ارتباط اشاره دارد، همچنان‌که ارتباط به فضای کاری می‌پردازد. در اینجا به اهمیت و ارتباط معناشناسی و کاربردشناسی می‌توان پی برد.

تلاش برای ارائه تنوع‌های زبانی هدفمند باید صورت گیرد تا هدف کاربردی را به دنبال داشته باشد. کاربرد زبان باید با سبک و سیاق صورت گیرد، جایی که زبان برای هدف خاصی استفاده می‌شود و باید دقت بیشتری به این نوع از تنوعات زبانی صورت پذیرد. مطالعه تنوع زبانی باید در زبان هدف انتخاب شود تا منعکس‌کننده طبقه اجتماعی آن گویش و زبان باشد.

کاربردشناسی زبان و بررسی تحلیلی گفتار در گویشی گیلکی و سایر گویش‌ها

یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی علم کاربردشناسی زبان است که به مطالعه و بررسی کاربرد زبان‌شناسی در رابطه با مسائل علمی مثل فرهنگ نگاری، سبک‌شناسی، ترجمه و ... می‌پردازد.

علم کاربردشناسی زبان به مطالعه این امر می‌پردازد که شنونده چگونه معنایی را همراه با اطلاعات مفهومی در بافت ادراک می‌کند. کاربردشناسی زبان یکی از عوامل مهم در تعبیر جمله از جمله نگرشها، درک و باور سخنگو و مخاطب در نحوه تبادل اطلاعات بین آنها است. کاربردشناسی رویکردی تحلیلی به زبان‌شناسی است که ملاحظات بافتی را در بر دارد. (پول)

میان معنی‌شناسی و کاربردشناسی ارتباط نزدیک است. یکی از روشهای صحبت درباره آن این است که بین معنی جمله و منظور سخنگو (کاربردشناسی) تفاوت قائل شویم. بدین معنی که واژگان جملات به طور مستقل از هر کاربرد معنایی هستند که سخنگو برای بیان منظور خاص به کار می‌برد. از این رو معنی‌شناسی در ارتباط با معنی جمله و کاربردشناسی در ارتباط با منظور سخنگو در استفاده از تعبیر معنایی است.

در معنی‌شناسی (منطق) شرط صدق و کذب گفتار مطرح است، در حالی که در کاربردشناسی شرط صدق و کذب گفتار مطرح نیست، به این منظور که در معنی‌شناسی حرف گوینده با مصداق آن در جهان خارج صدق می‌کند. در حالی که در کاربردشناسی ممکن است کلام گوینده در جهان خارج مصداق نداشته باشد.

می‌توان این تفاوت را درک نمود که چگونه از ضمایر به عنوان مولفه‌های وابسته برای ارائه مطلب استفاده می‌شود و امتیاز این تفاوت در آن است که معنی‌شناسان از داشتن همه نوع دانش در معنی آزاد هستند و نقش کاربردشناسان آن است که تعامل بین دانش زبانی خاص و دانش عمومی را شناسایی می‌کنند.

به منظور فهم سخنگویان و کاربران زبان، شنوندگان از هر دو دانش که در مورد بافت و منطق مشترک و حدس ... است، استفاده می کنند و این توجه به تفاوت میان علم معنی شناسی و کاربرد شناسی، معنی شناسان را قادر می سازد تا بر ادراک مخاطب پیرامون مولفه های زبانی توجه داشته باشند.

قواعد کاربرد شناختی زبان

در زندگی روزمره وقتی از زبان به عنوان وسیله ارتباطی استفاده می کنیم، تنها از عوامل درون زبانی مثل آواها، قواعد دستوری معنایی و گفتمانی استفاده نمی کنیم که به عنوان عوامل درون زبانی به شمار می روند، بلکه عوامل برون زبانی هم در ساخت پیام و برقراری ارتباط نقش مهم دارند، برای مثال، از لحاظ ساخت درونی زبان فارسی، جمله

«میشه اون نمکدون رو به من بدی؟» یک جمله سوالی است و پاسخ آن ظاهراً باید جمله «بله می تونم و یا نه نمی تونم» باشد. اما وقتی این جمله در موقعیت صرف غذا ادا می شود در واقع یک تقاضا است و منظور گوینده «آوردن نمکدان» است و نه چیز دیگر، همین خواسته در موقعیت های مختلف می تواند طور دیگری ادا شود:

در رابطه دوستانه: «اون نمکدون رو بروسون اینجا»

شنونده: بگیر بابا، نمی ذاره یک لقمه غذا بخوریم

- می شه اون نمکدون و به من بدین

شنونده: بگیر!

رابطه فرا دستی: چرا نمکدون و اونجا گذاشتی؟

شنونده: خیلی عذر می خوام، بفرمایید

پیام های زبانی محصول مشترک عوامل درون زبانی و برون زبانی هستند که در مقابل با یکدیگر ارتباط زبانی را عینیت می بخشند. همه ما در کاربرد زبان با رویدادهای زبانی سروکار داریم. رویداد زبانی یک تعامل اجتماعی است که در زبان نقش مهم دارد. مثل یک رویداد مکالمه تلفنی، بین دو دوست و ...

هر رویداد زبانی دارای اجزایی است، از جمله ۱- موقعیت (زمانی - مکانی) ۲- شرکت کنندگان (متکلم - مخاطب) ۳- اهداف (اهداف فردی و اجتماعی) ۴- توالی محتوایی و صورتی پیام (از سلام تا خداحافظی) ۵- رموز و اشارات مثل تغییر لحن و آهنگ کلام که طرفین از طریق آنها پیامهایی می دهند، مثلاً لحن خشن نشانه ناراحتی است ۶- ابزار (کانال): که به معنی استفاده از گونه های مختلف زبانی است، مثل رسانه گفتاری یا نوشتاری، لهجه ها، سبک ها و سیاقها ۷- هنجارها در تعبیر کلام ۸- نوع کلام که از ترتیب خاص یک رویداد برای هدف خاص حاصل می شود، مثل پرسش و ابراز وجود.

رفتار غیر کلامی

در کنار رفتارهای کلامی و زبانی در انتقال پیام منظور گوینده، رفتارهای غیر کلامی هم به عنوان مجموعه ای از نشانه های معنادار حرکت اندام تلقی می شوند که در کاربرد شناسی زبان نقش عمده دارد. کودک این رفتار را در ارتباط زبانی در کنار توانش زبانی فرا می گیرد. توانش زبانی همان دانش بالقوه است که در همه کودکان به ودیعه نهاده شده است؛ (چامسکی) و کودک پیوسته با آن ارتباط دارد، مانند خندیدن، گریستن. برخی جنبه های رفتار غیر کلامی جهانی اند و در بیان احساسات نقش دارند، اما برخی به فرهنگ خاص تعلق دارند.

نقش رفتارهای غیر کلامی

۱- جایگزین پیامهای کلامی می شوند، مثل بالا و پایین آوردن سر، که نشانه بله یا خیر است.

۲- موجب تقویت کلام می شوند، مثل خوشامدگویی به میهمان با چهره ای گشاده حاکی از محبت؛

۳- در جهت خلاف یا رد پیامها عمل می کند، مثل چشمک زدن (عدم صحت جمله)

نقش اول و دوم در خدمت ارتباط زبانی و نقش سوم در جهت خلاف پیام کلامی و نشان دادن نیت اصلی گوینده است.

از جمله حرکات بدنی و رفتارهای غیر کلامی در فرهنگ ایرانی، استفاده از دست به عنوان مهمترین اندام بدن مثل دست تکان دادن برای ابراز احساسات، دست دادن به منظور آغاز یا پایان مکالمه

۲- استفاده از چشم و ابرو مثل نگاه کردن به طرف مقابل که نشان از تمایل به گفتگوست، بالا بردن ابروان، نشانه ای از نفی در خواست طرف مقابل و بازکردن بیش از اندازه چشم همراه لبخند که نشانه خوشحالی است.

۳- پاها - جفت کردن پاها هنگام نشستن که نشان اساسی فرودستی و احترام است و در برخی فرهنگ ها و گویش های ایرانی که احترام در مقابل بزرگترها مرسوم است، مثل گویش لری حائز اهمیت است.

۴- دراز کردن پا هنگام نشستن، نشانه حس برتری و یا عدم احترام به طرف مقابل است و دیگر اندامها از جمله، بالا انداختن شانه ها، نشانه اظهار بی اطلاعی همراه با بی اعتنائی به موضوع است و ...

عوامل فرا زبانی

عامل فرا زبانی که در کنار ارتباط کلامی و غیر کلامی به کار می رود و برای پویایی و کارآمد بودن ارتباط زبانی حائز اهمیت است، همه عواملی که در نحوه بیان پیام، خارج از محتوای زبان آن تاثیر می گذارند به عنوان عناصر فرا زبانی هستند، مثل مکث در حین گفتار، مکث کوتاه یا بلند ... سکوت، تاکید، سرعت گفتار، زیر و بمی گفتار، بلندی و کوتاهی صوت که در ایجاد یک ارتباط زبانی کارآمد نقش مهم ایفا می کنند و کاربر زبان به عنوان گوینده و سخنگو باید در تاثیر گذاری مطلوب از عوامل فرا زبانی در کنار عوامل توانش زبانی و ارتباطی به خوبی عمل کند تا گفتار او تاثیر گذارتر باشد.

صورت خطابه

یکی از جنبه های گفتاری که جامعه شناسان از تحلیل آن بهره وری می کنند، عبارات خطابه است که در فرهنگ های مختلف مشاهده می شود. واضح است که تمام زبانها صورتهای خطابه و قواعد مشخصی دارند که کاربرد درست آن را تعیین می کند. هر بار گویشوری کسی را صدا می زند، بخشی از رابطه اجتماعی و احساسات شخصی خویش را به آن فرد منتقل می سازد. ممکن است فردی دوست خود را به نام کوچک صدا بزند، اما با عمویا مادر خود چنین رابطه ای نداشته باشد، یا مادر بزرگ و پدر بزرگ خود را با نام خودمانی (در کودکی) صدا بزند، اما یک کارفرما را با نام خانم یا آقا خطاب کند و یا کارفرما بر اساس نوع رابطه اجتماعی و میزان صمیمیت خود با او نام او را خطاب کند. استفاده از عبارات خطابه در زبان انگلیسی به صورت یکسویه و دو سویه به کار می رود. در موقعیت یکسان و رابطه اجتماعی متقارن، نام خانوادگی یا عنوان نام و در کاربرد یک سویه رابطه نامتقارن وجود دارد، در رابطه پزشک و بیمار - آموزگار و شاگرد از نام خانوادگی و نام کوچک استفاده می شود و اگر از نوع عبارت مطمئن نباشند از عبارت YOU استفاده می کنند. جامعه شناسان بر این باورند که گویشوران هر زبان از توانش ارتباطی یا شناخت زیربنایی نظام زبانی همراه با شناخت قواعد (هنجارها) برای استفادی بجا از زبان و کاربرد آن در شرایط مختلف در موقعیتهای گفتاری متفاوت برخوردار هستند و آنچه مورد نظر آنان است این است که در بجا بودن گفتار بیشتر از دستوری بودن آن اهمیت می دهند.

بررسی صورت های خطابه گفتاری و تحلیلی کلام در گویش گیلکی (اهرائی) تابع شهرستان دماوند:

نمونه گونه گفتاری دو گویشور در روستای اهران - رابطه میهمان و میزبان

مش رحیمه - سلام علیکم خاله عذرا ، چطوری : دری یا دنی ؟ ← (هستی یا نیستی؟)

خاله عذرا - سلام علیکم، بفرما، خدا را شکر مَنَم چه عجب مش رحیمه، از این ورا راه گم کردی!

خوشحال کردی - کجا دنی از این ورا ← کجا بودی از این طرفها !

مش رحیمه - ننه جان حوصله سری م، بگتم بَشَم خونه خاله عذرا، احوالش بگتم ←

مش رحیمه - ننه جان حوصله ام سر رفت گفتم بروم خانه خاله عذرا احوالش را جويا شوم.

مش رحیمه - چه کار مَنی، مد باقر چه کار مَنه؟ ← چه کار می کنی مَدباقر چه کار می کنه؟

خاله عذرا - رفته تیرون - آی مد باقر هموجا تیرون باشه بیتره ما خیالم راحتره !

مش رحیمه - خُو - خاله عذرا، ما یک لاف داریم واسه ما یه لاف بدوز

خاله عذرا - من که حوصله ندارم، لاف بدوزم دیگه مثل سابق نیستم، حال که رو پنداختی

- وخ کنم، بت موگوم، خبر مَنمت ← اگر وقت کنم، بهت می گویم، خبرت می کنم

یه روزی برات مو دوزم ← یک روزی برات می دوزم

- دعا کن مش رحیمه این کاسه چکنم چکنم به دست مردم نفته ←

گفتگوی دو همسایه

همسایه - سلام علیکم مش یدالله آخور باشه، کجا میخای بشی؟ ← خیر است کجا می خواهی بروی؟!
مش یدالله - می خام بشم خونه مش حسین، بگوئم گوشو بیاره زمین مار شخم بزنه
می خواهم به خانه مش حسین بروم بگویم گاوش را بیاورد تا زمین ما را شخم بزند.
- می خام گندم بکارم امسال
همسایه - سلامتی باشه انشا الله . خدا خیر و برکت هاده انشاء الله
مش یدالله - خوب ما زحمت و کم کنیم از حضورتون مَرخص بشیم
همسایه - شام باشین مش یدالله
مش یدالله - اونجام تعلق به شما داره — خدانگهدار
همسایه - به سلامت

مفاهیم:

دری یادنی ← هستی یا نیستی
چه کار مُنی ← چه کار می کنی؟
احوالش بگتم ← با او احوال پرسى کردم
به دست مردم نفته ← به دست مردم نیفتد
حوصلم سری م ← حوصله ام سر رفته
بگوئم گوشو بیاره ← بگویم که او گاوش را بیاورد
وخ کنم بت موگوئم ← وقت کنم به شما می گویم
خبر مُنمت ← بهتان خبر می دهم - بهت خبر می دهم
در گویش گیلکی اهرانی در روستای اهران
خطاب فرزند به مادر (ننه جان) است که گاهی مادر هم خطاب می کنند.
خطاب فرزند به پدر (بابا) و خطاب به خواهر و برادر (خطابه خواهر و برار) می باشد. در این گویش گاهی به خواهر (د) هم خطاب می شود.

- خواهر جان کجا دنی؟ ← خواهر جان کجا می روی؟
هم شیره - خونه کل ممدلی - مش آسیه بشم ← خانه کل محمدعلی و مش آسیه می روم
- برار جان! فردا شو با زنت بیاین خونه ما ← برادر جان فردا شب با همسرت به خانه ما بیایید.
- چی میخن واستون درست کنم ← چه چیز می خواهید برایتان درست کنم.
نمونه ای از خطاب فرزند به پدر:
بابا: فردا میخایم بشیم خر سوارى. بشیم صحرا - خیار چینی - کدو چینی ناهار بخوریم - غروب بیایم خونه
فردا می خواهیم برویم الاغ سوارى - برویم به صحرا - خیار چینی و کدو چینی - ناهار بخوریم - غروب به خانه برگردیم.
در این گویش به بزرگان فامیل (زن) از اهالی روستا خاله و به بزرگان و پیران اهل روستا در قدیم دایی خطاب می شده است.
گاهی بزرگان نیز به افراد پایین تر از خود و جوان ترها با خطا به های مَش یا کَل هم خطاب می کردند، مَش (کسانی که به مشهد مشرف شده بودند) و کَل کسانی که به کربلا شرف یاب می شدند.

گویش جهرمی:

تقاضا از استاد

- آقا بی زمت یه پسکی قا هم تر بیگین تا من بتونم بشنومم ا بنویس
آقا لطفاً قدری بلندتر بفرمایید تا من بتوانم بشنوم و بنویسم

تقاضا از والدین

– نَنَه مَ گَشَنَه مِه – بِر تو گنجینه به چی ورداز بُخور؟
مادر من گرسنه ام، می توانم بروم چیزی را از کابینت بردارم و بخورم؟

– مشاوره:

باوا، مَ صبا با دو سام می خیم بری طبخ. او گوشت دُرُس کُنی یا طَش کباب؟
پدر من فردا با دوستانم می خواهیم به گردش برویم آب گوش درست کنم یا طاس کباب؟

عدم احترام

بچه نَبَه چرا اُرُسی مَن پا کِردی؟ گنا گریت گرفته؟
پسر، پس چرا کفش مرا پوشیده ای؟ دیوانه شده ای؟
اگَه دَر دُکون رفتی به وَقه بُلنگ اَبسُون
اگر خرید رفتی حدود یک کیلو خیار هم بخر

مشتری و مغازه دار

– او پنیر که دیروز دادی بو کرده بود ← آن پنیری که دیروز به ما دادی فاسد شده بود
– می خواستی اول بوش بوکونی. مَ خودم دُرُشش نکرده بود ←
می خواستی قبل از خریدن آن را بو کنی. من که خودم آن را تولید نکرده ام.

کارفرما و کارمند:

– نَبَه کجا بودی؟ نزدیک ظور. میگه اینجا حَموم که هر و خِ خواستی بی بی، هر و خِ خواستی بی بی؟
پس کجا بودی؟ نزدیک ظهر است مگر اینجا حمام عمومی است که هر وقت خواستی بیایی و هر وقت خواستی بروی؟
چهرمی ها در برخی کلمات مثل من، حرف ن و م را تلفظ نمی کنند؛ در آخر کلمه مثلاً من را می گویند «م» و «برم» را می گویند «بِر».

مَن ← مَ
بِر ← بَر
زحمت ← زمت
ی سپکی ← قدری
ننه ← مادر
باوا ← پدر
صبا ← فردا
اُرُسی ← کفش
گنا گری ← دیوانه بازی
قاهِم تر ← بلندتر
هَر و خِ ← هر وقت
دیرو ← دیروز
او پنیر ← آن پنیر

گفتگوی مادر و پسر در گویش بابلی

(۱) مادر — ریکا جان فردا انی با هم برویم مِوسه لباس بخریم.
پسر فردا می تونی بیایی با هم بریم برایم لباس بخریم
پسر — آره مار جان بیامه

بله مادر جان می آیم

- مادر ← تی جانِ قربان، فردا نهار چی دوست دارنی تی وسیه دِرس هَکِنَم؟ قربنت برم فردا نهار چی دوست داری برایت درست کنم؟
 - پسر ← فردا نهار مه وسیه مرغ ترش دِرس هَکِن مین خِلِه دوس دارمه
 فردا نهار برای من مرغ ترش درست کن چون خیلی دوست دارم.
 مادر ← ریکا جان امروز بور سلمونی شینسیره اصلاح آکِن
 پسر امروز بروسلمونی موهاتو اصلاح کن
 مادر ← فردا اینی بوریم مِر بوریم عمه سیره
 فردا میایی با هم به خانه عمه برویم؟
 فرزند ← مار جان بیامه ← مادر جان من می آیم
 شینسیره اصلاح آکِن ← موهایت را اصلاح کن
 تی جانِ قربان ← قربونت برم
 تی وسیه دِرس هَکِنَم ← برایت درست کنم
 مین خِلِه دوس دارمه ← من خیلی دوست دارم
 در گویش بابلی خطاب فرزند به مادر ← مار جان و خطاب مادر به پسر ریکا و به دختر کیجاست و خطاب خواهر ← خواخِر، شوهر ←
 (شی)، مادر شوهر ← شی مار، پدر شوهر ← شی پر و خواهر شوهر ← شی خواخِر می باشد.

تبصره

گویش هرانی خطابه‌های برادر ← برار / خواهر ← خوهار یا خواهر / پدر ← پیرا / مادر ← نَنَه / خاله ← خاله / دایی = دی جان / فرزندان = عیال
 همسر (کلمه ندایی شوهر به زن) عیال / مادر بزرگ: ننه جان
 در گویش کردی دایک ← مادر / دایه ← مادر / باوک ← پدر / بابَه - کاکه - بابائی
 خوشیک ← والی = خواهر / داده - ددی - آجی هم گفته می‌شود.
 پرا ← برادر / کاکه = داداش / داپیر ← مادر بزرگ / باپیر ← پدر بزرگ
 خالو = دایی / مامو = عمو / براژن = زن داداش
 ژن برا = برادر زن / خالوژن ← زن دائی / شوورا = برادر شوهر

نتیجه‌گیری

در این پژوهش به جنبه‌های اجتماعی تعبیّرات در گویش اهرانی و سایر گویش‌های ایرانی پرداختیم و خطابه‌ها را مورد مطالعه قرار دادیم. تعامل اجتماعی و تمایزات متعدد فرهنگی در برخی گویش‌ها اما با پیش‌زمینه مشترک فرهنگی قابل مشاهده است. کاربرد برخی خطابه‌ها در گویش‌ها متفاوت اما شباهت‌های فرهنگی در استفاده از کلمات و تعبیّرات قابل توجه و در خور مطالعه است.
 مقایسه خطابه ما و فرهنگ کلمات ندایی در میان گویش اهرانی با سایر گویش‌ها مثل گیلکی - کردی و نمود تنوع فرهنگی در میان آن‌ها است. براساس زبان‌شناسی اجتماعی - کاربردشناسی زبان میان زبان‌ها - گویش‌های جوامع - متغیرهای اجتماعی رابطه تنگاتنگ وجود دارد. کاربرد خطابه‌ها و واژگان در یک قوم و قبیله روستایی و غیرروستایی تحولات اجتماعی را منعکس می‌کند و ما را بیشتر به تعمق در مطالعات تنوع‌های زبانی میان گویش‌های محلی زبان فارسی سوق می‌دهد و ما را به دست‌یابی به غنای فرهنگی و اصیل ایرانی بودن با تنوعات گستره زبانی و فرهنگی در ایران زمین وامی‌دارد.
 گستره گویش‌های متعدد در گوشه و کنار این مرز و بوم نمود مردمانی با فرهنگ اصیل ایرانی است که مطالعه در این زمینه را سبب می‌شود تا بتوانیم بیشتر با فرهنگ این مردمان آشنا شویم و درصدد برآییم که بیشتر به حفظ گویش‌های زبانی و م‌حلی همت گماریم و دیگر مردمان را در غنی‌تر کردن این گویش‌ها و فرهنگ‌ها آشنا سازیم.

منابع و مراجع

- [1] The pragmatic of language variation Harry potter in translation by Ahmed O.Abu saad
A Thesis presented to American university of sharjah college of Arts and sciences
- [۲] زبان و زبان شناسی - علمی - پژوهشی - انجمن زبان شناسی
- [۳] نگاهی به گویش نامه های ایرانی - دکتر علی اشرف صادقی [نشر دانشگاهی]
- [۴] زبان فارسی در گذر زمان - مهرداد نفزگوی کهن www.AdineBook.com
- [۵] مجموعه خطابه های نخستین کنگره تحقیقات ایرانی - غلامرضا ستوده - مطالعات علوم انسانی - دانشگاه تهران
- [۶] گویش دماوندی (زبان فارسی) - دکتر مهدی علمداری - پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با موضوع گویش ها